

## شناخت

# اهل سنت و جماعت

محمد عبدالعزیز نعمانی

مدرس دارالعلوم زاهدان

۲- «سنت» که در لغت به معنای: سیره، طریقت، خوی، سرشت، رسم و روش و شریعت است؛ چنانکه در قرآن نیز به همین معنا آمده است: «و لن تجد لسنة الله تبديلاً» (۳) «و در روش خدا دگرگونی نخواهی دید».

«سنة الله التي قد خلت في عبادة» (۴) «این سنت و شیوهی همیشگی خدا در مورد بندگانش بوده است».

و در اصطلاح شرع: اوامر و نواهی رسول الله ﷺ است که از اقوال و افعال او به وسیلهی راویان حدیث نقل شده است، سنت پیامبر، طریقت اوست که بدان عمل می‌کرد.

۳- جماعت: در لغت به معنی: گروه، دسته؛ اما در اینجا به معنی گروه و جماعت صحابه‌ی پیامبر ﷺ است.

با تحقیق واژه‌ی اهل سنت و جماعت به معنی صلاحی واضح تری دست می‌یابیم و آن این است: اهل سنت و جماعت. آن گروه از مسلمانانند که بعد از قرآن فقط فعل و قول و تقریر پیامبر ﷺ را ملاک احکام شرع می‌دانند و علاوه بر آن اعمال و افعال خلفای چهارگانه و سایر صحابه را سرمشق و مستند خود قرار می‌دهند.

دانشمند معاصر هندی، علامه سید سلیمان ندوی رحمۃ اللہ علیہ در تعریف «اهل سنت و جماعت» می‌گوید: «طرز زندگی و طریق عملی رسول اکرم ﷺ را سنت گویند، «جماعت» در لغت به معنی گروه است لیکن مقصود از جماعت در اینجا صحابه‌ی پیامبر ﷺ است، سنی یا اهل سنت و جماعت به کسی گویند که محور اعتقادات و اعمال و مسایل او سنت صحیح‌ی رسول

آشنایی با مذاهب اسلامی و عقاید مختلف یکی از علوم مهم گذشته و حال به شمار می‌آید چنانکه در اعصار مختلف کتابهای متعددی درباره‌ی «علم فرق و مذاهب» به رشته‌ی تحریر در آمده است.

نویسندگان و مؤلفان، مقاصد مختلفی را در این خصوص دنبال کرده‌اند. گاه در صدد آن بوده‌اند که مذهب خویش را حق بنمایانند و مذاهب دیگر را باطل و گاه بی‌غرض به بررسی و شناخت مذاهب و ادیان پرداخته‌اند اما واقعیت آن است که هر کس مذهب خویش را حق و صواب می‌داند. به تعبیر قرآن: «کل حزب بما لدیهم فرحون» (۱) - هر گروهی بدانچه دارند و برآند خوشحال و شادانند -

اما خداوند بهتر می‌داند که کدام گروه بر راه حق و صواب است و کدام گروه بر راه باطل و خطاست.

«قل کل يعمل علی شاکلته فربکم اعلم بمن هو اهدی سبیلاً» (۲) - بگو هر کسی برابر روش خود کار می‌کند و پروردگارتان بهتر می‌داند که چه کسی راهش درست تر است -

به هر تقدیر شناخت مذاهب و آشنایی با عقاید اسلامی حرکتی است در جهت آشنایی و رشد مفاهیم دینی و اسلامی و گامی است به سوی وحدت و انسجام مذاهب مختلف اسلامی چنانکه اندیشمندان اسلامی نیز به این مسأله‌ی مهم پی برده‌اند و «مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی» را تأسیس نموده‌اند.

به همین منظور در این مقال مختصراً به بررسی مذهب «اهل سنت و جماعت» و ذکر برخی از ویژگیهای اعتقادی آن پرداخته‌ایم. امید است مورد قبول خوانندگان گرامی قرار گیرد.

### معنای لغوی اهل سنت و جماعت

واژه‌ی اهل سنت و جماعت از سه کلمه تشکیل یافته است.

۱- «اهل» به معنای: پیرو، تابع

۱- مؤمنون: ۵۳

۳- احزاب: ۶۲

۲- اسراء: ۸۴

۴- غافر: ۸۵

الله و صحابه‌ی کرام است.

به تعبیر دیگر: آنانی که در عقاید، اصول زندگی، عبادت و اخلاقشان، روشی را برگزیده‌اند که رسول اکرم ﷺ و صحابه‌ی او را به سر منزل مقصود رساند.<sup>(۱)</sup>

### اصطلاح اهل سنت و جماعت در قرآن و سنت

اصطلاح اهل سنت و جماعت برگرفته از احادیث صحیح رسول اکرم ﷺ است و مفهوم آیات قرآن کریم است در آیات متعدد قرآن کریم، اتباع پیامبر اسلام ﷺ و صحابه‌ی او بیان شده است که برخی از این نوع آیات عبارتند از:

- ۱- یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول<sup>(۲)</sup> «ای مؤمنان! از خدا و پیغمبر اطاعت کنید».
- ۲- «و اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و ااحذروا»<sup>(۳)</sup> «از خدا و از پیغمبر فرمانبرداری کنید و (از مخالفت فرمان خدا و پیغمبر) خویشتان را بر حذر دارید».

و در اتباع از صحابه (جماعت) نیز خداوند عزوجل می‌فرماید: ۱- «و السابِقون الاولون من المهاجرین و الانصار و انین اتبعوهم باحسان رضی الله عنهم و رضوا عنه»<sup>(۴)</sup> پیشگامان نخستین مهاجرین و انصار و کسانی که به نیکی روش آنان را در پیش گرفتند و راه ایشان را به خوبی پیمودند، خداوند از آنان خوشنود است و ایشان هم از خدا خوشنودند.

۲- «و من یشاقق الرسول من بعد ما تبین له الهدی و یتبع غیر سبیل المؤمنین نوله ما تولى و نصله جهنم و ساءت مصیراً»<sup>(۵)</sup> «کسی که با پیامبر دشمنی کند بعد از آنکه راه هدایت برای او روشن شده است و راهی جز راه مؤمنان در پیش گیرد او را به همان جهتی که دوستش داشته رهنمود می‌گردانیم و به دوزخش داخل می‌گردانیم و دوزخ چه بد جایگاهی است».

بدون تردید مؤمنان راستین، صحابه پیامبر اسلام هستند چنانکه خداوند عزوجل آنان را مؤمنان راستین می‌خواند و می‌فرماید: ۳- «لقد رضی الله عن المؤمنین اذ بیاعونک تحت الشجرة»<sup>(۶)</sup> «خداوند از مؤمنان راضی گردید همان دم که در زیر درخت با تو بیعت کردند».

۴- «و لکن الله حبیب الیکم الایمان و زینه فی قلوبکم و کره الیکم الکفر و فسوق و العصیان اولئک هم الراشدون»<sup>(۷)</sup> «اما خداوند ایمان را در نظر تان گرامی داشته است و آن را در

دلهایتان آراسته است و کفر و نافرمانی و گناه را در نظر تان زشت و ناپسند جلوه داده است، فقط آنان راهیابند و بس!»  
روایات متعددی از رسول اکرم ﷺ درباره‌ی پیروی از سنت و صحابه نقل شده است که ما به منظور تأکید و تبیین این مسأله پاره‌ای از روایات را نقل می‌نماییم.

۱- عن جابر بن عبد الله عن النبی ﷺ قال: «اما بعد، فان خیر الحدیث کتاب الله و خیر الهدی، هدی محمد و شر الامور محدثاتها»<sup>(۸)</sup> - جابر بن عبد الله از پیامبر ﷺ روایت می‌کند که آن حضرت فرمود: «همانا بهترین سخن، کتاب خداوند است و بهترین روش، روش محمد است، و بدترین کارها، نوآوری در دین است».

۲- عن ابی هريرة بن عتبة قال قال رسول الله ﷺ: «انی قد ترکت فیکم شیئین لن تضلوا بعدهما، کتاب الله و سنتی»<sup>(۹)</sup> «ابوهریره از رسول اکرم ﷺ فرمودند: همانا من پس از خود دو چیز را در میان شما خواهم گذاشت، که اگر شما به آن دو عمل کنید هرگز گمراه نخواهید شد، ۱- کتاب خداوند «قرآن» ۲- سنت و روش من»

از جانب برخی شاید این سؤال مطرح شود که در برخی روایات «کتاب الله و عترتی» - کتاب خداوند و اهل بیت من - آمده است، پس چرا شما روایت «کتاب الله و سنتی» را ترجیح می‌دهید.

پاسخ مناسب این سؤال را علامه محمود شلتوت داده است، چنانکه در مجله‌ی «اخبار تقریب مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی» به نقل از آقای قمی آمده است: دیدم آقای شیخ محمود شلتوت در خلال تفسیر خود حدیث ثقلین را به گونه‌ی شایع نزد اهل سنت، «کتاب الله و سنتی» آورده است از همانجا به وی تلفن کردم و گفتم شیخنا! این حدیث با طرق فراوان چنین آمده: «کتاب الله و عترتی»!! شیخ فرمود: در

۱- ندوی سید سلیمان، اهل السنة والجماعة، ص: ۱۰، مجلس نشریات اسلام، کراچی

۲- محمد: ۳۳ ۳- مانده: ۹۲

۴- توبه: ۱۰۰ ۵- نساء: ۱۱۵

۶- فتح: ۱۸ ۷- حجرات: ۷

۸- رواه مسلم بشرح النووي، ج: ۳، ص: ۴۱۸، کتاب الجمعة، باب تخقیف الصلاة و الخطبة، دارابی حیان

۹- رواه حاکم (۲۸۴/۱) رقم ۳۲۴- دارالمعرفة، ۱۴۱۸ هـ ۱۹۹۸ م

حاشیه بنویسید: «و جاء فی بعض الطرق: «کتاب الله و عترتی» و لا شک أن عترته یحملون سنته»<sup>(۱)</sup>

در اینجا شیخ محمود شلتوت به نکته‌ی بسیار مهمی اشاره نموده‌اند و آن این که عترت و اهل بیت پیامبر اسلام ﷺ نیز تابع و پیرو سنت رسول اکرم ﷺ بوده‌اند و اتباع از اهل بیت پیامبر در واقع اتباع از رسول اکرم ﷺ به شمار می‌آید.

۳- «قال النبی ﷺ: فمن رغب عن سنتی فلیس من»<sup>(۲)</sup> «کسی که از روش من روگرداند از (امت و پیروان) من نیست».

بخشی دیگری از احادیث بر اتباع از صحابه تأکید دارند، از آنجمله: ۱- قال رسول الله ﷺ: فعلیکم بسنتی و سنة الخفاء الراشدين المهديين تمسکوا بها و عضوا علیها بالانواجذ و ایاکم و محدثات الامور»<sup>(۳)</sup>

۲- رسول اکرم ﷺ فرمودند: روش من و روش جانشینان راهرو و هدایت یافته‌ی مرا، لازم بگیرید و به آن چنگ زنید و آن روش را با دندانه‌هایتان محکم بگیرید و از روشها و کارهای مبتدعانه پرهیزید.

۲- قال رسول الله ﷺ: ان بنی اسرائیل تفرقت علی ثنتین و سبعین ملة و تفترق امتی علی ثلاث و سبعین ملة کلهم فی النار الا ملة واحدة: قالوا من هی یا رسول الله؟ قال ما أنا علیه و اصحابی<sup>(۴)</sup>

رسول اکرم ﷺ فرمود: بنی اسرائیل به هفتاد و دو گروه تقسیم شدند و امت من به هفتاد و سه گروه تقسیم می‌شوند و همه‌ی شان به آتش می‌روند مگر یک گروه، پرسیدند: آن گروه چه کسانی هستند ای رسول خدا؟! فرمودند: آنانی که روش من و یارانم را بر می‌گزینند».

۳- أن رسول الله ﷺ قال: ان الله لا یجمع امتی أو قال امة محمد ﷺ علی ضلالة و ید الله مع الجماعة»<sup>(۵)</sup> رسول اکرم ﷺ فرمودند: خداوند امت مرا بر گمراهی متفق نمی‌گرداند و یاری خداوند با جماعت است.

وجه تسمیه «جماعت» از همین حدیث برگرفته شده است. ۴- قال رسول الله ﷺ: «أصحابی کالنجوم بایهم اقتدیتم»<sup>(۶)</sup>

حدیث مذکور مورد نقد ائمه حدیث قرار گرفته است و برخی آن را ضعیف و برخی آن را حسن قرار داده‌اند که علامه

محمد عبدالحی لکنوی در کتاب «تحفة الاخیار باحیاء سنة سید الابرار»<sup>(۷)</sup> همه‌ی این اقوال را مفصلاً مورد بررسی قرار داده است؛ اما حدیث دیگری با همین مضمون و با سند صحیح در کتاب «صحیح مسلم» روایت شده است که در بخشی از آن آمده است: «النجوم أمانة للسماء، فاذا ذهب النجوم أتى السماء ما توعد و أنا أمانة لأصحابی، فاذا ذهب، أتى اصحابی ما یوعدون و اصحابی امانة لامتی فاذا ذهب اصحابی اتی امتی ما یوعدون»<sup>(۸)</sup> «ستاره‌گان نشانگر امنیت آسمانند، هرگاه ستاره‌گان محو شوند، آسمان به آنچه پیشگویی شده می‌رسد و وجود من امنیت است برای اصحاب من، پس هرگاه من از دنیا رخت بر بندم، آنچه به یاران من وعده داده شده (پیشگویی شده) متحقق می‌شود، و اصحاب من، امنیت‌اند برای امت من، و هرگاه اصحاب من از دنیا بروند، آنچه برای امتم پیشگویی نموده‌ام، متحقق خواهد شد».

در این حدیث رسول اکرم ﷺ وجود اصحاب خویش را سبب امنیت و هدایت امت بیان فرموده است و این امر در صورتی ممکن است که امت راه و روش آنان را پیروی نماید و آنان را اسوه‌ی خویش قرار دهد.

در بخش «پیروی از جماعت صحابه» برخی این سؤال را مطرح می‌کنند که با توجه به این که برخی از صحابه‌ی پیامبر مرتکب گناه شده‌اند و کارهای ناشایست انجام داده‌اند نمی‌توان آنان را الگو و مقتدا دانست.

در پاسخ به این شبهه و پرسش باید بگوییم که اهل سنت و جماعت با نظر داشت دو مسأله، صحابه‌ی پیامبر ﷺ را قابل تأسی می‌دانند: ۱- اهل سنت و جماعت بر این باورند که هیچ

۱- ص: ۴۲ شماره ۴۱-۴۲- سال ۱۳۷۹

۲- بخاری، الجامع الصحیح، ج: ۶، ص: ۴۳۷، شماره‌ی حدیث:

۵۰۶۳ دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۲ ۱۹۹۲ م

۳- شیبانی، احمد، مستند احمد بن حنبل، ج: ۵، ص: ۱۰۹، شماره‌ی حدیث:

۱۶۶۹۲، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۴ ۱۹۹۳ م

۴- ترمذی (۲۶/۵) شماره: ۲۶۴۱

۵- ترمذی (۴۰۵/۴) شماره حدیث: ۲۱۶۷

۶- لکنوی تحفة الاخیار باحیاء سنة سید الابرار، ص: ۶۳

۷- ن.ک، صص: ۵۳-۶۴

۸- نیشابوری مسلم، مسلم، صحیح مسلم بشرح نووی، ج: ۱۶- ص:

۷۳۰۰ شماره‌ی حدیث: ۶۴۱۳-۲۰۷- ۱ دارالمعرفة، ۱۴۱۴ هـ

۱۹۹۴ م

یک از صحابه‌ی پیامبر اسلام ﷺ معصوم نیستند و در صورتی که یکی از اصحاب پیامبر ﷺ مرتکب گناه شده باشد، کسی او را در ارتکاب گناه قابل تأسی نمی‌داند و اعتقاد دارند که بنابر فرموده‌ی پیامبر: «لا طاعة لمخلوق فی معصية الخالق»<sup>(۱)</sup> «کسی حق ندارد از مخلوق پیروی کند، در صورتیکه نافرمانی خالق انجام گیرد.»

با این وصف همه‌ی صحابه‌ی پیامبر اسلام به شهادت آیات قرآن مورد عفو و بخشش خداوند قرار گرفته‌اند از این رو اهل سنت و جماعت همه صحابه‌ی پیامبر را بدون استثناء عادل می‌دانند.

۲- در صورتی صحابه‌ی پیامبر اسلام ﷺ قابل تأسی هستند که در آن مورد حکم صریح قرآن و حدیث و کردار پیامبر ﷺ وجود نداشته باشد و اینگونه موارد بسیار اندک‌اند. لذا عمل و گفتار صحابه‌ی پیامبر ﷺ در چنین موردی بر عقل و قیاس ارجحیت می‌یابد و از نظر اهل سنت و جماعت به عنوان دلیل مورد قبول است.

#### آثار پیدایش اصطلاح اهل سنت و جماعت

در مورد کاربرد اصطلاح «اهل سنت و جماعت» آراء و اقوال متفاوتی وجود دارد.

امام عبدالقاهر اسفرائینی (۴۲۹ هـ) آغاز اختلافات را پس از وفات رسول اکرم ﷺ ذکر می‌کند و معتقد است که مسلمانان قبل از این حادثه، در اصول و فروع دین هم عقیده بودند و در میانشان هیچ گونه اختلافی وجود نداشت.<sup>(۲)</sup> نویسندگان «دائرة المعارف تشیع» رواج اصطلاح اهل سنت و جماعت را از زمان متوکل عباسی می‌دانند و می‌گویند: به تحقیق معلوم نیست که اصطلاح «اهل سنت و جماعت» از چه تاریخی پیدا شده ولی یقین است که این مذهب و این اصطلاح در عهد خلافت متوکل عباسی رواج و هویت پیدا کرده بود.<sup>(۳)</sup>

اما واقعیت بنابر دلائلی بر خلاف این دو ادعاست

اولاً: اختلاف نظر جزئی را در میان صحابه و مشاوره بر محل دفن پیامبر اسلام ﷺ را نمی‌توان جرعه‌ی اختلافات اساسی و تعیین مذاهب دانست، چه این نوع اختلافات در زمان حیات پیامبر اسلام ﷺ نیز گاه و بیگاه در میان صحابه بروز می‌کرد.

و ثانیاً: رواج اصطلاح «اهل سنت و جماعت» در زمان خلافت متوکل (۲۰۵-۲۴۷ هـ) نیز قابل تردید است زیرا متوکل عباسی در قرن سوم می‌زیسته و تا آن قرن دهها مذهب تأسیس شده بود و صدها اختلاف بروز کرده بود و بر خلاف این ادعا متوکل عباسی به مبارزه با مذاهب نوین پرداخت و فعالیت گسترده‌ای را در این زمینه آغاز نمود چنانکه علامه جلال الدین عبدالرحمن سیوطی (۹۱۱ هـ) می‌گوید:

«متوکل محدثان را به سامرا فرستاد و در عطایا و تکریم آنان بیفزود و به آنان دستور داد تا احادیث صفات و روایت (خداوند) را برای مردم بازگو نمایند... عموم مردم برای متوکل دعا می‌کردند و او را با سخنان مبالغه آمیزی می‌ستودند، تا آنجا که برخی می‌گفتند: جانشینان پیامبر ﷺ سه کس‌اند:

۱- ابوبکر صدیق رضی الله عنه که با مرتدان کارزار کرد ۲- عمر بن عبدالعزیز که عدالت را برقرار نمود و ۳- متوکل که سنت را احیاء نمود و با فرقه‌ی جهمی به مبارزه پرداخت.<sup>(۴)</sup>

حقیقت آن است که اگر ما در واژه‌ی «اهل سنت و جماعت» دقت کنیم بخوبی در می‌یابیم که این واژه از دو بخش تشکیل یافته است ۱- سنت ۲- جماعت

لازمه‌ی سنت آن است که گفتار و کردار رسول اکرم ﷺ مورد اتباع قرار گیرد و لازمه‌ی «جماعت» آن است که گفتار و کردار صحابه‌ی پیامبر ﷺ مورد پیروی قرار گیرد؛ وجه تسمیه این واژه خود بیانگر آن است که اصطلاح «اهل سنت و جماعت» در زمان تابعین و در اواخر عصر صحابه رواج یافته است زیرا پس از آنکه اختلافاتی بروز کرد و مذاهبی تأسیس شد. امت اسلامی راه نجات و صراط مستقیم را در روش پیامبر و صحابه‌ی او جویا شدند و اعتقاد و اعمالشان را با اعتقاد و عمل آنان مطابقت دادند و از هرگونه گرایش به

۱- ابن ابی شیبہ، المصنف فی الاحادیث والاثار، ج: ۷، ص: ۷۳۷، کتاب الجهاد، باب (۱۹۲) شماره‌ی حدیث: ۱۲ دارالفکر، ۱۴۰۹ هـ م ۱۹۸۹

۲- اسفرائینی، عبدالقاهر، الفرق بین الفرق، ص: ۱۴، دارالمعرفة، بتحقیق محمد محی الدین عبدالحمید.

۳- دائرة المعارف تشیع، ج: ۲، ص: ۶۱۵، نشر شهید سعید مجتبی، تهران ۱۳۷۵ ش

۴- سیوطی، جلال الدین، تاریخ الخلفاء، ص: ۳۴۶، مطبعة السعادة بمصر، الطبعة الاولى ۱۳۷۱ ۱۹۵۲ م

حرکت ناخوش آیند نخستین جرقه‌ی اختلافات اساسی اسلامی به شمار می‌آید. وی می‌گوید:

«این اختلاف اولین بار در کوفه بروز کرد و از آنجا این صدا بلند شد. در آن زمان صحابه‌ی پیامبر در قید حیات بودند و آنان درباره‌ی آیه‌ی «و من یقتل مؤمناً متعمداً فجزاءه جهنم خالداً فیها»<sup>(۴)</sup> از حضرت سعید بن خبیر و ابن عباس رضی الله عنهما پرسیدند که آیا این آیه منسوخ شده است؟ چنانکه ابن عباس در پاسخ فرمودند: خیر این آیه از آخرین آیاتی است که نازل شده است اما خوارج قایل بودند که طرفین قصداً به جنگ و مبارزه‌ی با همدیگر می‌پردازند از این رو کشته شدگان هر دو طرف جهنمی هستند و کسانی که قتل عمد می‌کنند مرتکب گناه کبیره می‌شوند و کافر هستند»<sup>(۵)</sup>

با توجه به اینگونه روایات و آغاز اختلافات مشخص می‌گردد که رواج اصطلاح اهل سنت و جماعت در عصر تابعین و در آغاز قرن دوم هجری بوده است.

#### تقسیم طبقاتی «اهل سنت و جماعت»

امام عبدالقاهر بغدادی (۴۲۹هـ) «اهل سنت و جماعت» را به هشت طبقه بنا بر مشاغل و اصناف تقسیم کرده است، که عبارتند از:

- ۱- علمای که در توحید و نبوت و معاد و احکام شرع و ثواب و عقاب و اجتهاد و امامت و رهبری تحقیق می‌کنند.
- ۲- فقهای اعم از اهل حدیث و اهل رأی.
- ۳- اهل حدیث که به اسانید روایات و احادیث پیامبر احاطه‌ی کامل دارند.
- ۴- علمای ادب، که به صرف و نحو و شناخت لغات، مهارت دارند.
- ۵- قاریان و مفسران، که به روشهای قرائت قرآن و تفسیر آیات، تسلط دارند.

۱- الملل و التحل (۴۰/۱)

۲- نیشابوری، مسلم، صحیح مسلم، (۱/۱۷۸) کتاب الایمان، باب بیان الایمان و الاسلام و الاحسان، شماره‌ی حدیث (۱) - (۸) - دار آبی حیان ۱۴۱۵ هـ ۱۹۹۵ م

۳- رک الملل و التحل (ج ۱، ص: ۱۳۲)

۴- نساء: ۹۳

۵- ندوی، سید سلیمان، اهل السنة والجماعة، ص: ۲۲، مجلس نشریات اسلام - کراچی

مذاهب و اظهار نظرهای نوین، خود را بر حذر داشتند. از این رو اصل اختلافات اساسی و پیدایش مذاهب را پس از پایان خلافت خلیفه‌ی سوم حضرت عثمان رضی الله عنه و در اواخر عصر صحابه باید جستجو کرد.

علامه ابوالفتح، محمد بن عبدالکریم شهرستانی (۵۴۸هـ) آغاز اختلافات اصولی و اعتقادی را از اواخر عصر صحابه می‌داند و می‌گوید: «اما اختلافات اصولی و اعتقادی در اواخر عصر صحابه بروز کرد از آنجمله بدعت معبد جهنی و غیلان دمشقی، یونسی آسواری را در مسأله تقدیر و انکار خیر و شر مقدر را می‌توان نام برد»<sup>(۱)</sup>

امام مسلم نیشابوری محدث نام آور اهل سنت و جماعت درباره‌ی آغاز پیدایش مذاهب نوین، روایتی را از یحیی بن یعمر نقل کرده است که وی می‌گوید:

«نخستین کسی که در مورد تقدیر سخن گفت معبد جهنی در بصره بود، من همراه با حمید بن عبدالرحمن حمیدی به منظور ادای مناسک حج و عمره به مکه رفتیم و با خود گفتیم کاش یکی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله را می‌دیدیم و از او در مورد سخنانی که در مورد تقدیر شنیده ایم، می‌پرسیدیم. اتفاقاً عبدالله بن عمر بن خطاب رضی الله عنهما وارد مسجد شد، من و او رفتیم و در سمت راست و چپ او نشستیم، آنگاه من گفتم: ای ابا عبدالرحمن! نزد ما گروهی از مردم هستند که قرآن می‌خوانند و به پژوهشهای علمی دست می‌یازند و اعتقاد دارند قضا و قدری وجود ندارد؟ عبدالله بن عمر رضی الله عنهما فرمود: هرگاه آنان را دیدی بگو که من از آنان بیزارم و آنان از ما نیستند، قسم به ذاتی که عبدالله بن عمر به آن قسم می‌خورد اگر کسی از آنان به اندازه‌ی کوه اُحُد در راه خدا طلا صدقه کند تا مادامیکه به قضا و قدر ایمان نیاورد، هیچ‌گونه پاداشی به او نمی‌رسد»<sup>(۲)</sup>

پس از شهادت حضرت عثمان رضی الله عنه جنگ در میان پیروان حضرت علی رضی الله عنه و طرفداران حضرت معاویه رضی الله عنه در گرفت و اختلاف بر حکمیت طرفین و نتایج آن جریان داشت که ناگهان گروهی که در جنگ صفین با حضرت علی رضی الله عنه همراه بودند به مخالفت با او برخاستند و گفتند: آنان ما را به حکمیت کتاب الله فرا می‌خوانند و شما ما را به شمشیر فرا می‌خوانید!<sup>(۳)</sup>

از این رو علامه سید سلیمان ندوی رحمته الله معتقد است که این

۶- زاهدان و صوفیان .

۷- مجاهدان و غازیان، که از مرزهای اسلامی پاسداری می‌کنند و با دشمنان اسلام می‌جنگند.

۸- عامه‌ی مردم که از مذهب اهل سنت و جماعت پیروی می‌کنند. (۱)

دیدگاه امام عبدالقاهر در تقسیم فوق بنابر مشاغل و اصناف علما و مردم بوده است که در آن زمان به هشت طبقه تقسیم می‌شده است، اما اگر در زمان حاضر کسی اهل سنت و جماعت را با این دید طبقه بندی نماید، قطعاً به طبقات بیشتری تقسیم خواهند شد. اما عمدتاً اهل سنت و جماعت از نظر کلامی به دو گروه اشاعره و ماتریدی معروف‌اند و قاطبه اهل سنت از این دو مذهب کلامی پیروی می‌کنند:

#### اشاعره:

اشاعره نامی است برای پیروان ابوالحسن، علی بن اسماعیل اشعری (۲۷۰-۳۲۴ هـ ق) و چون وی از نسل ابوموسی اشعری - صحابی پیامبر - است وی را اشعری می‌خوانند.

امام ابوالحسن اشعری از اوان جوانی به اندیشه‌های معتزلی دلبستگی تمام داشت و اصول عقاید آن را نزد معروفترین استاد معتزلی زمان خود، ابوعلی جبایی (م ۳۰۳ هـ ق) فرا گرفته بود و تا چهل سالگی از مدافعان معتزله به شمار می‌رفت؛ در همین دوران بود که در نتیجه‌ی بحث با ابوعلی جبایی از اعتزال روی برتافت و آرای تازه‌ای در مقابل معتزله و همخوان با اهل حدیث ارایه کرد، اشعری یگانه منبع عقاید را کتاب و سنت معرفی کرد و از این جهت با معتزله به مخالفت برخاست و به اهل حدیث گرایید.

وی در کتاب «الایانة عن اصول الدیانة» خویش می‌نویسد: «مذهب ما آن است که به کتاب الله، سنت پیامبر ﷺ، روایات صحابه، تابعین و ائمه حدیث تمسک بجوییم و آنچه امام احمد بن حنبل در مورد عقاید اظهار داشته ما نیز معتقدیم». (۲)

از آنجاییکه امام ابوالحسن اشعری در فقه پیرو امام شافعی بود، شوافع آرا و نظریات او را در عقیده معتبرتر می‌دانند و در عقاید از او پیروی می‌کنند.

#### ماتریدی:

هم زمان با نهضت اشعری در عراق، نهضت کلامی دیگری که در روش، اهداف و عقاید مشابه با اشعری بود در ماوراءالنهر به ظهور رسید. بنیانگذار این نهضت، ابو منصور ماتریدی (م ۳۳۳ هـ ق) بود، و چون زادگاه ماتریدی در قریه‌ی «ماترید» بود وی به این نسبت شهرت یافت. هر چند ماتریدی در کلام و عقاید خود اهل اجتهاد بود، اما سعی می‌کرد در روش و اصول از امام ابوحنیفه پیروی کند. تفاوت او با اشعری از همین نقطه آغاز می‌شود. ماتریدی مانند مقتدای خویش عقل را به عنوان سرچشمه‌ای برای عقاید دین پذیرفت. در حالی که اشعری از عقل، صرفاً در مقام تبیین و دفاع از عقاید دینی استفاده می‌کرد، همین تفاوت روش شناختی است که این دو مکتب را از یکدیگر متمایز می‌کند.

#### برخی از ویژگیهای اعتقادی اهل سنت و جماعت

اعتقادات اهل سنت و جماعت برگرفته از قرآن و احادیث پیامبر اکرم ﷺ است که همان اعتقاد صحابه، تابعین و سلف امت اسلامی است از این رو برخی از ویژگیهای اعتقادی اهل سنت و جماعت را مختصراً بیان می‌داریم:

#### ذات خداوند

خداوند آفریننده‌ی جهان است. همواره بوده و همیشه خواهد بود، واجب الوجود است، عدم را بر او راهی نیست، به جمیع صفات کمال متصف است و از هر گونه نقص و عیب مبرا است. حی، سمیع و بصیر است، نه مانندی دارد و نه ضدّ و همتایی، بی مثل و مانند است و احدی مددکار او نیست.

در واجب الوجود بودن و استحقاق عبادت و بندگی و خلقت و تدبیر کاینات از هرگونه شریکی مبرا است. احدی جز او، مستحق عبادت نیست، فقط اوست که بیمار را شفا می‌بخشد و به مخلوق، رزق می‌دهد؛ از حلول و اتحاد پاک است، در ذات و صفاتش از حدوث مبرا است، جوهر نیست و نه عرض است و نه جسم، در هیچ جا محدود نیست او «مستوی علی العرش» است.

۱- اسفرائینی، عبدالقاهر بن طاهر بن محمد بغدادی، الفرق بین الفرق، صص ۳۱۳-۳۱۸، دارالمعرفة، بیروت؛ تحقیق محمد محی الدین، عبدالحمید.

۲- الایانة عن اصول الدیانة، ص: ۱۴، الاشعری، ابوالحسن علی بن اسماعیل، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۸ هـ ۱۹۹۸ م

## صفات خداوند

خداوند پاک و منزّه و آفریننده‌ی جهان هستی است، بنا بر مقتضای کمال ربوبیت و الوهیتش دارای نامهای نیکو و صفات عالی است.

خداوند در داشتن این صفات تنها و بی شریک است زیرا او پروردگار یگانه است و هیچ معبود و الهی جز ذات پاکش وجود ندارد.

صفات خداوند عمدتاً به دو بخش تقسیم شده‌اند:

۱- صفات ذات: که از جمله‌ی صفات ثبوتیه یا معانی‌اند و صفاتی هستند که خداوند به آنها متصف می‌شود ولی به ضدشان متصف نمی‌شود.

مانند: قدرت، علم، اراده و امثال آن که ضدشان عجز، جهل و اجبار است.

۲- صفات افعال: صفاتی هستند که خداوند هم به آنها و هم به ضدشان متصف می‌شود مانند: «اغناء» و «افقار» یعنی: غنی و فقیرگرداندن و «احیاء» و «اماته» یعنی: زنده کردن و میراندن برخی از دانشمندان بحثهای کلامی پیچیده‌ای را درباره‌ی صفات خداوند عنوان می‌نمایند که اینگونه مباحث بجای آنکه سودی در بر داشته باشد، بیشتر باعث سردرگمی و زیان اعتقادی مسلمانان می‌شود.

به همین جهت دانشمند معاصر مصری علامه سید سابق می‌فرماید: «من با توجه به نظر دانشمندان و پیشوایان دینی اظهار می‌دارم چنین موضوعاتی در اسلام عارضی و از بدعتهای غیر مترقبه عقیدتی و از منکراتی است که باید مسلمانان دامن عقیده و فکر خود را از آن پاک گردانند زیرا ذات پروردگار بالاتر و برتر از آن است که شامل چنین چیزهایی گردد.

این نوع طرز تفکر برای ما ممنوع است و خداوند ما را بدان مکلف ننموده زیرا بیرون از دایره‌ی عقل محدود ما می‌باشد و ذات پروردگار، ما فوق ادراک و اندیشه‌ها است.» «لیس کمثله شیء و هو السميع البصیر»<sup>(۱)</sup> «هیچ چیز مانند خداوند نیست و او بسیار شنوا و داناست.»

و در حدیث آمده است: «تفکروا فی خلق الله و لاتفکروا فی الله فانکم لن تقدروه قدره» «در آفریده‌های خدا بیاندیشید ولی درباره‌ی ذات خداوند تفکر نکنید، چون توان و تحمل

آن را ندارید.»

آنچه که ما ملزم به دانستنش هستیم این است که بدانیم خداوند موجود است و دارای نامهای نیکو و صفات عالی و کمال مطلق می‌باشد و بس.»<sup>(۲)</sup>

رؤیت خداوند:

اهل سنت و جماعت به دلیل عقلی و نقلی اعتقاد به جواز رؤیت خداوند متعال دارند.

اولاً: دلیل عقلی: این است که ما اجسام و اعراض را بر اساس این که وجود دارند می‌بینیم، پس اگر معدوم باشند رؤیت آنها ممکن نیست. چرا که همه اتفاق نظر دارند که معدوم دیده نمی‌شود. بنابراین، وجود علتی است برای دیدن موجود، پس هر موجودی دیدنش حق است و شکی نیست که خداوند موجود است، لذا دیدنش درست و حق است.

ثانیاً: دلیلی نقلی: الف: در آیه‌ی ۲۲ و ۲۳ سوره‌ی قیامت آمده است: «وجوه یومئذ ناضرة الی ربها ناظرة» «در آن روز چهره‌هایی شاداب و شادانند و به پروردگار خود می‌نگرند» ب: در سوره مطففین آیه: ۱۵، در حق کافران چنین آمده است: «انهم عن ربهم یومئذ لمحجوبون» «قطعاً ایشان در آن روز از (دیدار) پروردگارشان محروم و مظرودند»

پس مفهوم مخالف آیه بر این دلالت می‌کند که مؤمنان از رؤیت حق تعالی محروم نخواهند بود.

ج: بخاری از رسول خدا ﷺ روایت می‌کند که آن حضرت فرمود: «انکم سترون ربکم كما ترون القمر لیلة البدر»<sup>(۳)</sup> «به یقین شما پروردگارتان را خواهید دید همانگونه که ماه شب چهارده را می‌بینید.»

## عصمت پیامبران

در قرآن آیات زیادی در شأن پیامبران خدا نازل شده است و به آنان قداست، پاکی و عظمت خاصی بخشیده و بعضی را به عنوان اسوه، نمونه‌ی زنده و تجسم عین کمال انسان معرفی فرموده است. خداوند خود عهده دار تعلیم، تربیت، تأدیب و پرورش آنان است تا آنها را به اوج قله‌ی انسانیت

۱- شوری ۱۱

۲- سید سابق، عقاید اسلامی ص: ۹۶-۹۷ - ترجمه‌ی علی آقا صالحی، نشر احسان. چاپ اول: ۱۳۸۰ ش

۳- ترمذی، الجامع الصحیح، ج: ۴، ص: ۵۹۴، شماره‌ی حدیث: ۲۵۵۴، دارالکتب العلمیة

رسانیده و شایسته گزینش و انتخاب خویش گرداند.

«و جعلناهم ائمة يهدون بأمرنا و أوحينا اليهم فعل الخيرات و اقام الصلاة و ايتاء الزكاة و كانوا لنا عابدين»<sup>(۱)</sup> «و ما آنان (پیامبران) را پیشوایانی قرار دادیم که مطابق فرمان ما رهبری می کردند و انجام دادن نیکیها و بر پایی نماز و دادن زکات را بدیشان وحی نمودیم و آنان تنها ما را می پرستیدند». لذا اهل سنت و جماعت اتفاق نظر دارند که همه ی انبیاء از گناهان کبیره و صغیره معصوم اند و مقام عصمت فقط مختص پیامبران خداوند است.

با این حال در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که در ظاهر، انسان فکر می کند پیامبران مرتکب معصیت یا عملی شده اند که با عصمت آنان در تضاد است، اما حقیقت آن است که انبیاء مرتکب گناه نشده اند زیرا گناه آن است که کسی با آگاهی به حرمت آن با حکم صریح خداوند مخالفت ورزد. بلکه در برخی موارد دچار لغزش یا خطای اجتهادی شده اند اما از آنجایی که مقام و مرتبه پیامبران بسیار بلند و بالاست خداوند نیز آنان را مورد عتاب قرار داده است.

اما منظور از گناه پیامبر ﷺ، «حسنت الابرار سیئات المقرین» است که یک لحظه غفلت و یا ترک اولی در مورد انبیاء جایز نیست و باید از آن استغفار کنند. و پیغمبر اسلام نیز به مقتضای بشریت، تصرفات و اعمالی داشته است که برای افراد عادی خوب و یا چیز ساده ای بوده، اما برای وجود مبارک او گناه و چیز مهمی محسوب شده است و مورد عتاب پروردگار قرار گرفته است.<sup>(۲)</sup>

### شفاعت

از دیدگاه اهل سنت و جماعت خداوند به بندگان نیکوکار خود از انبیاء و صالحان، اجازه خواهد داد که برای مسلمانانی که مرتکب گناه کبیره شده اند برای رهانیدنشان از عذاب روز قیامت شفاعت کنند.

شفاعت بر دو نوع است: ۱- شفاعت کبری: که مخصوص پیامبر اسلام حضرت محمد ﷺ می باشد که در روز قیامت از خداوند می خواهد مردم را از وحشت بلا تکلیفی و بازداشت برهاند. چنانکه خداوند دعایش را می پذیرد.

چنانکه در قرآن نیز به این اشاره رفته است: «عسی أن یبعثک ربک مقاماً محموداً»<sup>(۳)</sup> «باشد که خداوند ترا به مقام

سوده ای (مقام شفاعت کبری) برساند»

۲- شفاعت برای گناهکاران: که در روز قیامت، پیامبر ﷺ و برخی از بندگان مقرب خداوند در حق بعضی از گناهکاران وساطت می کنند. چنانکه رسول اکرم ﷺ فرمود: «شفاعتی لاهل الکبائر من امتی» «شفاعتم برای گناهکاران امتم خواهد بود».

با این وصف شفاعت به سه شرط انجام می گیرد:

۱- باید با اجازه ی خداوند صورت بگیرد. «من ذالذی یشفع عنده الا باذنه»<sup>(۴)</sup> «کیست آنکه در پیشگاه او میانجیگری کند مگر با اجازه ی او»

۲- آنچه در خواست و شفاعت می شود پسندیده و درست باشد. «یومئذ لاتنفع الشفاعة الا من اذن له الرحمن و رضی له قوالاً»<sup>(۵)</sup> «در آن روز شفاعت سودی نمی بخشد مگر «شفاعت» کسی که خداوند مهربان به او اجازه دهد و گفتارش را پسندد».

۳- خداوند راضی شود از کسی که برای او شفاعت می گردد.

«و لا یشفعون الا لمن ارتضی»<sup>(۶)</sup> «هرگز برای کسی شفاعت نمی کنند مگر برای آن کسی که (بدانند) خدا از او خشنود است».

### اهل بیت پیامبر ﷺ

اهل بیت رسول اکرم ﷺ از فضایل و مناقب ویژه ای برخوردارند از آن جمله رسول اکرم ﷺ فرمودند:

«انی تارك فيکم الثقلین اولهما کتاب الله، فیه الهدی و النور، فخذوا بکتاب الله و استمسکوا به و اهل بیتی، أذکرکم الله فی اهل بیتی»<sup>(۷)</sup> - من دو چیز مهم در میان شما می گذارم ۱- قرآن که هدایت و نور است، لذا به قرآن عمل کنید و به آن چنگ زنید؛ ۲- اهل بیتم، من شما را

۱- انبیاء: ۷۳

۲- ربك، جالندهری، خیر محمد، خیر الفتاوی، ج: ۱، ص: ۱۷۲، مکتبه ی امدادیه ی ملتان - ۱۴۰۷ هـ ۱۹۸۷ م. و سعدی، دکتر عبدالملک شرح عقاید اهل سنت، ص: ۱۹۰ - ترجمه ی امیر صادق تبریزی، انتشارات کردستان ۱۳۷۹ هـ ش

۳- بقره: ۲۵۵

۴- اسراء: ۷۹

۵- انبیاء: ۲۸

۶- طه: ۱۰۹

۷- شیبانی، احمد، مستد احمد بن حنبل، ج: ۵، ص: ۴۹۲، شماره حدیث: ۱۸۷۸۰ دار احیاء التراث العربی ۱۴۱۴ هـ ۱۹۹۳ م



می‌دارد، ستهای فراموش شده‌ی رسول خدا ﷺ را دوباره زنده می‌کند. در زمان او اسلام به اوج ترقی می‌رسد و در سراسر زمین استقرار می‌یابد با تمکن و قدرت، پیش می‌رود در روزگار او، به خاطر گسترش عدل و داد، راحتی و آسایش فراگیر می‌شود. مال و ثروت افزایش می‌یابد وی مال و ثروت را تقسیم می‌نماید و آن را احتکار نمی‌نماید. هفت سال می‌ماند و پس از آن دجال می‌آید، سپس عیسی علیهما السلام فرود می‌آید و در کشتن دجال، مهدی را یاری می‌دهد. بعد حضرت مهدی وفات می‌کند و مسلمانان بر او نماز می‌خوانند.<sup>(۴)</sup>

این بود بخشی از مسایل اعتقادی اهل سنت و جماعت که به تفصیل در کتابهای عقاید مفصلاً به رشته‌ی تحریر در آمده است، در پایان از خداوند متان مسئلت داریم که همه‌ی ما را به راه حق و صراط مستقیم هدایت گرداند.  
«والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته»

\*\*\*\*\*

\*\*\*\*\*

\*\*\*\*\*

در مورد (احترام و پیروی) از اهل بیت توصیه می‌کنم - در کتاب «العقیده الطحاویة» که صحیح ترین و معتبر ترین کتاب عقیده‌ی «اهل سنت و جماعت» است چنین آمده:  
«و من أحسن القول فی أصحاب رسول الله ﷺ و ازواجه الطهارات من کل دنس، و ذریاته المقدسین من کل رجس، و قد برئ النفاق»<sup>(۱)</sup> - کسی که در مورد اصحاب پیامبر ﷺ، همسران پاک دامن و فرزندان (اهل بیت) آن حضرت ﷺ که از هرگونه زشتی پاک‌اند، سخن نیک بگوید، در او شائبه نفاق نیست -

با توجه به احادیث و روایاتی که در مناقب و فضایل اهل بیت آمده است، اهل سنت و جماعت محبت و احترام اهل بیت پیامبر ﷺ را بر خود واجب می‌دانند -

### اصحاب پیامبر

اعتقاد اهل سنت و جماعت آن است که اصحاب پیامبر اسلام، نه معصوم‌اند و نه فاسق، ممکن است که از برخی بنابر تقاضای خواص بشری لغزشهایی سرزده باشد. اما آنان پس از متوجه شدن، توبه کرده‌اند و خداوند متعال نیز آنان را معاف فرموده است. از این رو آنان با ارتکاب لغزشها فاسق قرار نگرفته‌اند.<sup>(۲)</sup>

در کتاب «العقیده الطحاویة» آمده است: «و نحب اصحاب رسول الله ﷺ، و لا نفرط فی حب أحد منهم و لا نکرههم منہم، و نبغض من یبغضهم، و بغير الخیر یذکرهم، و لا نذکرهم الا بخیر»<sup>(۳)</sup> « ما یاران رسول خدا ﷺ را دوست می‌داریم و در دوستی هیچ یک از آنان زیاده روی نمی‌کنیم و نه از آنان تبری می‌جوئیم، بغض می‌ورزیم با کسی که با آنان بغض بورزد و یا به بدی از آنان یاد کند و ما فقط از آنان به نیکی یاد می‌کنیم.

### حضرت مهدی

خلاصه‌ی آنچه درباره‌ی حضرت مهدی آمده این است که: در آخر زمان متولد خواهد شد، نامش محمد فرزند عبدالله یا احمد فرزند عبدالله است از اهل بیت رسول خدا ﷺ و از فرزندان فاطمه رضی الله عنها می‌باشد. خلق و خویش شبیه پیامبر، اما قیافه‌اش مانند او نیست، پیشانی‌اش روشن و بینی‌اش کشیده می‌باشد. وی پس از ظهور، زمین را پر از عدل و داد می‌کند آنطور که پر از ظلم و جور بوده، شریعت اسلام را بر پا

۱- دمشق، علی بن محمد بن ابی العز، «شرح العقیده الطحاویة»، ج: ۲، ص: ۷۳۷، مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۴ هـ، ۱۹۹۴ م  
۲- عثمانی، مولانا محمد تقی، حضرت معاویه و حقایق تاریخی، ص: ۱۲۰، مترجم: مولانا محمد ابراهیم دامنی رحمۃ اللہ علیہ، مکتبه دارالعلوم کراچی ۱۴۱۳ هـ  
۳- دمشق، علی بن محمد بن ابی العز، «شرح العقیده الطحاویة»، ج: ۲، ص: ۶۸۹، مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۴ هـ، ۱۹۹۴ م  
۴- ر.ک. عقاید اسلامی، ص: ۲۸۷، ترجمه علی آقا صالحی. با اندکی تصرف